پیش بینی تمایزیافتگی و سبک دلبستگی دانش آموزان دبیرستانی بر اساس انعطاف پذیری خانواده، تمایزیافتگی و سبک دلبستگی والدین

فاطمه اصل دهقان[۱]
دکتر حمید رضاییان[۲]
دکتر سیمین حسینیان[۳]

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین نقش پیش بینی کننده انعطاف‌پذیری خانواده، تمایزیافتگی و سبک دلبستگی والدین در پیش بینی تمایزیافتگی و سبک دلبستگی فرزندان نوجوان انجام گرفته است. جامعه آماری آن دانش آموزان دختر و پسر سالهای اول، دوم و سوم متوسطه شهر تهران بود که از میان آنها ۲۸۳ دانش آموز به شیوه نمونه گیری خوشه ای_ تصادفی چندمرحله ای انتخاب شدند و به همراه پدران و مادران خود در این پژوهش شرکت‌کردند. ابزارهای به کار رفته در این پژوهش شامل پرسشنامه‌های انعطاف‌پذیری خانواده(شاکری،۱۳۸۲)، فرم کوتاه پرسشنامه تمایزیافتگی (دریک،۲۰۱۱) و مقیاس دلبستگی بزرگسالان (گریفین و بارتولومیو،۱۹۹۴) بود. داده‌ها با استفاده از روشهای آماری ماتریس همبستگی و رگرسیون گام به گام با نرم افزار SPSS 22 مورد تحلیل قرار گرفته اند. نتایج نشان می‌دهد انعطاف پذیری خانواده، سبک دلبستگی کناره گیر و مؤلفه واکنش هیجانی مادر در جهت مثبت و سبک دلبستگی پریشان پدر در جهت منفی توان پیش بینی ۳۴ درصد از تغییرات تمایزیافتگی فرزندان را دارند. همچنین گسلش عاطفی مادر، انعطاف پذیری خانواده، گسلش عاطفی پدر در جهت مثبت و سبک پریشان پدر در جهت منفی توان پیش بینی ۱۵ درصد از تغییرات دلبستگی ایمن فرزندان را دارند. انعطاف‌پذیری خانواده مهم‌ترین پیش‌بین سبکهای ناایمن فرزندان است. براین اساس انعطاف‌پذیری خانواده و ویژگیهای فردی هر دو والد و کیفیت تعاملات در زندگی خانوادگی از مهم‌ترین تعیین کننده های تمایزیافتگی و دلبستگی ایمن در فرزندان هستند.

کلید واژگان: انعطاف پذیری خانواده، تمایزیافتگی، دلبستگی، نوجوان

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۸

۱. کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی ، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول) a.dehghan546@gmail.com
۲. استاد یار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی ، دانشگاه الزهرا rezaeian19237@yahoo.com
۳. استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی ، دانشگاه الزهرا hosseins1381@yahoo.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

مقدمه

خانواده، یک نظام اجتماعی طبیعی است که دستکم سه نسل را در بر می‌گیرد. در این نظام، علایق و دلبستگیهای هیجانی نیرومند، دیرپا و متقابل افراد را با یکدیگر پیوند داده اند. ممکن است طی زمان از شدت این علایق و دلبستگیها کاسته شود، اما علایق مزبور در سراسر زندگی به بقای خود ادامه خواهند داد. همچنان که خانواده طی مراحل گوناگون چرخه زندگی پیش می‌رود، نسلهای مختلف خانواده بر یکدیگر تأثیری پایا و متقابل می‌گذارند. یکی از مهم‌ترین مراحل رشد که اغلب بر خانواده تأثیرگذار است، دوران بلوغ نوجوانی است (گلدنبرگ و گلدنبرگ،۱۳۹۲؛ ترجمه حسین شاهی، نقشبندی و ارجمند). در دین مبین اسلام به دورهٔ نوجوانی و جوانی توجهی خاص شده و اهمیت آن در آیات و روایات اسلامی مشهود است. پیامبر بزرگوار اسلام نیز در حدیثی مهم‌ترین ویژگیهای عاطفی و روانی کودکان و نوجوانان را در سه دورهٔ رشدی به ساده‌ترین و پرمعناترین بیان این گونه می‌فرمایند: فرزند در هفت سال اول سرور(اشاره به مهر پذیری کودک)، هفت سال دوم بنده (اشاره به تربیت پذیری و آموزش پذیری) و هفت سال سوم وزیر است. دورهٔ سوم که دوران بلوغ و نوجوانی است بیانگر آمادگی نوجوان برای برقراری ارتباط متقابل و دوستانه است(افروز، ۱۳۸۹).

کیفیت تعاملات و عواطف والدین جو هیجانی و عاطفی خانواده را شکل می‌دهد و به این ترتیب روابط خانوادگی به ویژه رابطهٔ والدین با فرزندان نقشی مهم در رشد روانی-اجتماعی کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند و تأثیری عمیق و پایدار در سلامت روانی، جسمانی و اجتماعی فرزندان می‌گذارد(شوارتز و همکاران[1]،۲۰۱۲). از دیدگاه برخی از صاحب‌نظران، خانوادهٔ اولیه به همراه نسلهای گذشته تأثیری چشم‌گیر بر نگرش و رفتار ما می‌گذارند. آنها هرکدام، هر آنچه را از خانواده‌های خود آموخته اند به صورت هوشیار و نا هوشیار ترکیب می‌کنند تا بستر خانوادهٔ کنونیشان شکل بگیرد(شعاع کاظمی و سیف،۱۳۸۹). این دیدگاهها مبین رویکرد چندنسلی[2] هستند که براساس آن والدین از طریق همانندسازی با پدر و مادر، الگوهای رفتاری را که در دوران کودکی با والدین تجربه کرده اند به رابطهٔ خود با کودکانشان منتقل می‌کنند و فرزند آنها نیز به نوبهٔ خود همان الگو را به نسل بعدی انتقال می‌دهد. به این ترتیب الگوهای تعاملی سالم و ناسالم از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند(خانجانی،۱۳۸۸). از میان با نفوذترین دیدگاهها که تعاملات

1. Schwartz et al.
2. Multigenerational

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

خانوادگی را بر مبنای رویکرد چند نسلی تبیین کرده اند می‌توان به نظریه سیستمهای خانوادگی[۱] موری بوئن[۲] و دلبستگی[۳] بالبی[۴] اشاره کرد. این دو نظریه تشابهاتی دارند: هر دو تأثیر روابط خانوادگی و میان- فردی را بر سلامت و اختلال فرد پذیرفته اند و هر دو انسان را تابعی از روابط خانوادگی می‌بینند. این روابط مفهوم اصلی نظریهٔ دلبستگی و مشابه مفهوم تمایزیافتگی بوئن است (تیموری آسفیچی، لواسانی و بخشایش،۱۳۹۱).از نظر بوئن (۱۹۷۸) نوعی نظام عاطفی بر ساختار خانواده حاکم است که قابلیت انتقال بین نسلی دارد و سلامت روانی فرد در گرو سطح تفکیک و جدایی وی از این نظام است (مؤمنی و علیخانی،۱۳۹۲). در نظریهٔ بوئن(۱۹۸۸) فرض بر این است که طی دوران رشد تحولی، نیروهای غریزی درونی و متضاد، از یک سو ما را به سمت جدایی از خانوادهٔ اصلی هدایت می‌کنند و از سوی دیگر ما را به سمت رابطه با خانواده سوق می‌دهند. توانایی حفظ تعادل میان این نیروها یعنی کسب استقلال عاطفی از خانواده و در عین حال با هم بودن، تمایز یافتگی[۵] فرد از خانواده تعریف شده است. افراد تمایزیافته توانایی تفکیک میان عقل و احساس را دارند. تمایز یافتگی از چهار مؤلفه تشکیل شده است : موقعیت من[۶]، واکنش هیجانی[۷]، همجوشی[۸](امتزاج) و گسلش عاطفی.[۹] موقعیت من به طور کلی نشان دهندهٔ توانایی شخص در ارائه تعریف واضحی از هویت خویش و دارا بودن عقاید و باورهای مشخص در زندگی است. واکنش هیجانی نشانگر غلبه احساسات فرد بر عقل و منطقش است. به عبارت دیگر افرادی که از لحاظ هیجانی واکنش پذیرند قادر به جداسازی احساس از تفکر نیستند و بیشتر پاسخهایی که در شرایط تنش زا به محیط می‌دهند پاسخهای هیجانی است تا عقلانی (راس و مورداک[۱۰]،۲۰۱۴). همجوشی، پدیده ای است که اجازه نمی‌دهد فرد، خودش را از خانواده متمایز کند و به دو جنبه اشاره دارد: اولاً نوعی همجوشی احساس و تفکر که طی آن، تفکر واقع بینانه تحت تأثیر تحریک‌پذیری قرار می‌گیرد، ثانیاً به نبود مرزها و فقدان فردیت میان دو یا چندنفر اشاره دارد که نمونهٔ آن روابط همزیستی است (پروچاسکا و نورکراس،۱۳۹۰؛ ترجمه سیدمحمدی). گسلش عاطفی بیانگر تمایل به خروج از رابطه و عقب نشینی عاطفی در شرایط تنش زاست

1. Family systems theory
2. Murry Bowen
3. Attachment
4. Bowlby
5. Self-differentiation
6. I -position
7. Emotional reactivity
8. Fusion with others
9. Emotional cutoff
10. Ross & Murdock

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

(دریک[1]،۲۰۱۱). اغلب افراد برای مقابله با وابستگی حل نشده از جدایی عاطفی بهره می‌گیرند. در این حالت فرد حسرت رابطه نزدیکی عاطفی را می‌خورد ولی از آن گریزان است(پروچاسکا و نورکراس ،۱۳۹۰؛ ترجمه سید محمدی).

تمایزیافتگی را در دو سطح می‌توان بررسی کرد: سطح درون- فردی که اشاره به نوعی ظرفیت درونی برای تفکیک احساسات از تفکرات دارد و سطح میان- فردی که به توانایی حفظ استقلال درون بافت خانواده اشاره می‌کند(ساندج، کرابتری و شوئیر[2]،۲۰۱۲). مفهوم تمایز یافتگی یک فرآیند است که اگر به صورت یک پیوستار در نظر گرفته شود در یک سر آن خود مختاری است که نشان دهنده توانایی تفکر واضح و روشن در خلال یک موقعیت می‌باشد و در سر دیگر آن امتزاج است (گلادینگ، ترجمه بهادری، تبریزی، بهرامی و سیف،۱۳۸۲). بوئن علاوه بر اینکه تمایز یافتگی را برای بهزیستی روانشناختی و سلامت روان ضروری می‌داند، فرض می‌کند که ماهیت ذاتی آن منجر به رشد، تغییر یا کاهش انواع گوناگونی از سازه‌های روانی می‌شود (دریک،۲۰۱۱). تحقیقات موجود به طور گسترده ای از تأثیر تمایزخود بر ابعاد سلامت روان و ارتباط آن با سازه‌های مهم دیگر حمایت کرده اند (اسکورون، استانلی و شاپیرو[3]، ۲۰۰۹؛ پلگ و رهال[4]،۲۰۱۲؛ پلگ و زوآبی[5]، ۲۰۱۴؛ چانگ و گیل[6]، ۲۰۰۶؛ راس و مورداک، ۲۰۱۴). دو عامل در تمایز یافتگی افراد مؤثرند: ۱) میزان تمایزی که والدین فرد از خانوادهٔ اصلی خود کسب کرده اند؛ ۲) کیفیت رابطهٔ هیجانی فرد در خانواده با والدین، همشیرها (خواهر و برادرها) و بستگان نزدیک (بوئن،۱۹۷۸). صاحب‌نظران معتقدند کیفیت رابطهٔ هیجانی فرد با والدین، سبکهای دلبستگی را شکل می‌دهد.دلبستگی یک پیوند هیجانی متقابل و پایدار میان طفل و مراقب اوست و هر یک از آنها در کیفیت این رابطه نقش دارند. این پیوند برای کودکان ارزش انطباقی دارد، برآورده شدن نیازهای روانی، اجتماعی و نیز جسمانی آنها را تضمین می‌کند و بقای طفل را سهولت می‌بخشد (پاپالیا[7]و همکاران، ۱۳۹۱؛ ترجمه قهستانی و همکاران). گریفین و بارتولومیو[8] (۱۹۹۴) با بررسی نتایج پژوهشهای قبلی و بر اساس تعاریف بالبی از الگوهای درونی، چهار سبک دلبستگی که

1. Drake
2. Sandage, Crabtree & Schweer
3. Skowron, Stanle & Shapiro
4. Peleg & Rahal
5. Zoabi
6 .Chung & Gale
7. Papalia
8. Griffin & Bartholomew

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

عبارت اند از سبک ایمن[1] ، سبک پریشان(دلمشغول)[2] ، سبک اجتنابی[3] کناره گیر و سبک اجتنابی هراسان[4] (بیمناک) را مطرح کرد(جانسون و ویفن[5]، ۱۳۸۸). افراد با سبک ایمن، از خود و دیگران درک مثبت دارند و به سبب برخورداری از حس ارزش شخصی و باور به پذیرنده بودن دیگران می‌توانند روابط صمیمانه برقرار کنند، بدون آنکه استقلال خود را از دست بدهند (دادستان،۱۳۹۳). افراد با سبک دل مشغول (پریشان)، دارای الگوی فعال منفی نسبت به خود و الگوی فعال مثبت نسبت به دیگران هستند. این افراد احساس ناشایستگی (بی‌ارزشی) درباره خودشان و احساس ارزشمند بودن دیگران را دارند(زارعی و همکاران،۱۳۹۳). افراد با سبک کناره‌گیر، الگوی فعال مثبت نسبت به خود و الگوی فعال منفی نسبت به دیگران دارند. آنها به استقلال اهمیت بیشتری می‌دهند و از دیگران دوری می‌کنند. سبک دلبستگی هراسان، سبک دیگری است که در آن فرد نسبت به خود و دیگران احساس منفی دارد. این افراد، احساس بی ارزشی و طرد نسبت به دیگران دارند (گریفین و بارتولومیو،۱۹۹۴). افراد با سبک هراسان، تمایل به صمیمیت دارند اما به دیگران اطمینان نمی‌کنند و در نتیجه از برقراری روابط دوری می‌کنند(جانسون و ویفن، ۱۳۸۸؛ ترجمه بهرامی و همکاران).

بالبی، معرف نظریهٔ دلبستگی، در تأکید بر اهمیت ارتباط مراقب و کودک معتقد است آنچه برای سلامت روانی کودک ضرورت دارد به دست آوردن تجربهٔ رابطه ای صمیمی، گرم و مداوم با مراقب یا جانشین دائم اوست و بسیاری از اشکال روان آزردگیها و اختلالات شخصیت، حاصل محرومیت کودک از مراقبتهای مراقب یا عدم ثبات در روابط کودک با چهره دلبستگی است (کرمی،زکی‌یی، علیخانی و نوروزی،۱۳۹۳). نتایج پژوهشها به طور کلی نشان دهندهٔ اهمیت انکارناپذیر دلبستگی به منزلهٔ یک عامل اساسی در سلامت روان است. سبکهای دلبستگی با متغیرهای بسیار از جمله عزت نفس، اختلال در روابط بین فردی، خشم، خصومت، اضطراب، افسردگی، اختلالات شخصیت، روانپریشی و پارانویا رابطه دارند(پیوسته گر، بشارت، پژوهی نیا و سیفی،۱۳۹۱). تمایز یافتگی و دلبستگی با انعطاف پذیری نیز در ارتباط اند. افراد با سطوحی بالاتر از تمایز خود در شرایط تنش زای خاص، استرس کمتری را تجربه می‌کنند و سریع‌تر از افراد کمتر تمایز یافته، خود را باز می‌یابند(ووگل و راب[6]،۲۰۱۵).

1. Secure
2. Preoccupied
3. Dismissing
4. Fearful
5. Johnson & Whiffen
6. Vogel & Rabe

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

انعطاف‌پذیری به قابلیت رهبری و نحوهٔ مدیریت تغییرات و تنشها، ارتباط نقشها و قوانین تعاملات در خانواده اطلاق می‌شود (السون[1]،۲۰۱۱). در خانوادهٔ منعطف، رهبری و مدیریت خانواده دموکراتیک است و کمتر حالت استبدادی به خود می‌گیرد. فرزندان این خانواده‌ها می‌آموزند که چگونه مسائل را مستقلانه حل کنند و چگونه در برابر آنها انعطاف نشان دهند. بنابراین احتمالاً از حس استقلال، قدرت انطباق و خود کار آمدی بالاتری برخوردار می‌شوند (السون، ۱۹۹۹). چانگ و گیل(۲۰۰۹) در پژوهشی در نمونه ای از دانشجویان نشان دادند میان عملکرد خانواده و تمایزیافتگی رابطه معنادار وجود دارد. رهگذر، یوسفی، محمدی و پیران (۲۰۱۲) در پژوهشی با هدف بررسی تاثیر انعطاف پذیری و انسجام خانواده بر هویت خود در دانشجویان به این نتیجه دست یافتند که میان انعطاف پذیری و انسجام خانواده و هویت خود در دانشجویان رابطه وجود دارد. شوارتز و همکاران(۲۰۰۶) در پژوهشی رابطه میان سبکهای فرزند پروری والدین و تمایزیافتگی فرزندان را بررسی کردند و نشان دادند که سبکهای فرزند پروری والدین پیش‌بینی‌کنندهٔ تمایز یافتگی فرزندان خواهد بود. در پژوهشی که اسکورون(۲۰۰۵) انجام داد بیان می‌کند که کودکانی که مادران آنها دارای سطوح بالاتری از تمایزیافتگی بوده اند نمرات بالاتری را در آزمونهای پیشرفت تحصیلی کسب کرده اند و دارای مهارت شناخت و قابلیت اجتماعی بیشتری بوده اند. بابای خاکیان، زکی یی و نقشینه (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند میان تمایزیافتگی مادران و اختلالات رفتاری کودکان، رابطه وجود دارد. فریمن و آلموند[2](۲۰۰۹) در پژوهشی دریافتند دلبستگی والدینی ایمن با تمایزیافتگی فرزندان رابطه دارد. محمدپور، کوهی و فهیمی(۱۳۹۰) در مطالعه ای نشان دادند سبک دلبستگی والدین با اعتیاد فرزندان رابطه دارد.

امروزه مسئله ای که در میان بسیاری از خانواده‌ها دیده می‌شود فاصله‌گیری عاطفی نوجوانان از والدین است(رحیمی، آشفته تهرانی و حضرتی،۱۳۹۰). این مسئله مفهوم اصلی تمایزیافتگی یعنی تعادل یا عدم تعادل میان صمیمیت و استقلال را در ذهن متبادر می‌سازد، همچنین با وجود اهمیت فراوان تمایز یافتگی عمده پژوهشهای انجام شده، بر پیامدهای آن تمرکز یافته و حجم کمتری از پژوهشها به پیش آیندها و عوامل مؤثر در شکل گیری تمایز یافتگی خود پرداخته اند و برخی پژوهشها نیز تأثیر عوامل فرهنگی را در این مورد نشان داده اند. با استناد به نظریه‌های مذکور و شواهد موجود مبنی بر تأثیر والدین و روابط خانوادگی در شخصیت فرزندان، این سؤال در ذهن پژوهشگر شکل گرفت که آیا در جامعهٔ ایرانی، برخی کنشهای خانواده مانند انعطاف پذیری و

1. Olson
2. Freeman & Almond

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

ویژگیهای فردی والدین مانند تمایزیافتگی و سبک دلبستگی توان پیش‌بینی تمایزیافتگی و دلبستگی نوجوانان را دارند؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. انعطاف پذیری خانواده، تمایزیافتگی و سبک دلبستگی والدین توان پیش بینی تمایزیافتگی فرزندان را دارد.

۲. انعطاف پذیری خانواده، تمایزیافتگی و سبک دلبستگی والدین توان پیش بینی سبک دلبستگی فرزندان را دارد.

روش

طرح پژوهش حاضر با توجه به اهداف و ماهیت آن از نوع پژوهش توصیفی- مقطعی، با روش همبستگی در قالب طرح پیش‌بین است. به عبارت دیگر این پژوهش از جمله بررسیهای رگرسیون چند متغیره است که هدف آن تعیین سهم نسبی هر کدام از متغیرهای انعطاف پذیری خانواده، تمایزیافتگی و دلبستگی والدین در پیش بینی تمایزیافتگی و سبک دلبستگی فرزندان بوده است. جامعهٔ آماری آن دانش آموزان مقطع متوسطه (دوره دوم) شهر تهران بودند که در پایه‌های اول، دوم و سوم دبیرستان در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بوده اند. از این میان ۲۸۳ دانش آموز(۱۲۶ پسر و ۱۵۷ دختر) به عنوان نمونه انتخاب شدند که به همراه هر دو والد خود، در این پژوهش شرکت کردند. نمونه گیری به صورت خوشه ای-تصادفی چند مرحله ای انجام شد. بدین ترتیب که از هر یک از مناطق ۱۰ و۱۱ شهر تهران دو دبیرستان دخترانه و دو دبیرستان پسرانه در نظر گرفته شدند و از هر دبیرستان، سه کلاس به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه ها در میان آنان توزیع شدند. پرسشنامه والدین نیز در منزل تکمیل و در پاکت دربسته به پژوهشگر تحویل داده شد.

ابزارهای پژوهش

ابزارهای به کار رفته در این پژوهش پرسشنامه‌های انعطاف پذیری خانواده (شاکری،۱۳۸۲)، فرم کوتاه پرسشنامه تمایزیافتگی (دریک،۲۰۱۱) و پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسال [1](گریفین و بارتولومیو،۱۹۹۴) بودند. فرزندان پرسشنامه‌های انعطاف پذیری خانواده، تمایزیافتگی و سبکهای دلبستگی و والدین پرسشنامه های تمایزیافتگی و سبکهای دلبستگی را تکمیل نمودند.

مقیاس انعطاف پذیری خانواده: این مقیاس با الهام از الگوی مدور ترکیبی السون(۱۹۹۹) درباره خانواده توسط شاکری (۱۳۸۲) ساخته شده است. مقیاس یادشده دارای ۱۶ پرسش است. در

1. Adult Attachment Scale

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

مقابل هر گویه طیف لیکرتی ۵ گزینه ای از کاملاً موافقم(نمره یک) تا کاملاً مخالفم(نمره پنج) برای پاسخگویی آزمودنیها قرار دارد. نتایج تحلیل عاملی این مقیاس نشان می‌دهد مجموع نمرات، یک عامل کلی(g) انعطاف پذیری را محاسبه می‌کند. شاکری(۱۳۸۲) پایایی این مقیاس را ۸۹/. گزارش کرد(جاهدی، رفاهی، شریفی و رجایی،۱۳۸۹). در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ پایایی ۸۴/. به دست آمده است.

پرسشنامه تمایزیافتگی: در این پژوهش از فرم کوتاه پرسشنامه (دریک ،۲۰۱۱) استفاده شده است که یک مقیاس ۲۰ گویه ای براساس پرسشنامه تجدیدنظرشده اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳) است. شرکت کنندگان به این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت ۶ گزینه ای از کاملاً نادرست(نمره یک) تا کاملاً درست(نمره شش) پاسخ می‌دهند. مجموع نمرات، نمره کل تمایزیافتگی را نشان می‌دهد. این پرسشنامه چهار خرده مقیاس دارد که عوامل درون روانی شامل موقعیت من و واکنش‌پذیری هیجانی و عوامل میان- فردی شامل گریز عاطفی و همجوشی با دیگران را اندازه‌گیری می‌کند. نمره بالا در مقیاس کل و موضع من نشانگر تمایز بالا و موضع شخصی مستحکم تراست و نمرات بالا در مقیاسهای واکنش پذیری هیجانی، گریز عاطفی و همجوشی با دیگران بیانگر واکنش هیجانی، گریز عاطفی و همجوشی کمتر است(فخاری و همکاران،۱۳۹۳). دریک (۲۰۱۱) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به‌دست آورده است. روایی ملاکی همزمان پرسشنامه با استفاده از رابطه آن با افسردگی، اضطراب حالت، اضطراب صفت، استرس و عزت نفس بررسی و مشخص شد سازۀ تمایزیافتگی با عزت نفس رابطه مثبت و با افسردگی، اضطراب حالت ، اضطراب صفت و استرس رابطه منفی دارد. در ایران نیز فخاری و همکاران (۱۳۹۳) ضریب پایایی کل مقیاس را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ محاسبه کرده اند و روایی ملاکی همزمان نیز با اثبات رابطه آن با زیر مقیاسهای سلامت عمومی تایید شده است. در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ پایایی کل مقیاس، ۰/۷۶ محاسبه شده است و برای خرده مقیاسهای موقعیت من، هم آمیختگی، گسلش عاطفی و واکنش هیجانی به ترتیب ضرایب آلفای ۰/۶۰، ۰/۶۳، ۷۸/ ۰ و ۰/۶۲ به دست آمده است .

پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسال: این پرسشنامه بر اساس یک مقیاس ۱۷ آیتمی لیکرتی ۵ گزینه ای از: کاملاً موافقم(نمره یک) تا کاملاً مخالفم(نمره پنج) درجه بندی شده است که چهار سبک گوناگون دلبستگی ایمن، پریشان، هراسان و کناره گیر را اندازه گیری می‌کند. درسال ۱۹۹۴ گریفین و بارتولومیو از طریق روش آماری آلفای کرونباخ ضریب پایایی این مقیاس را بین ۰/۵۴ تا

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

۰/۷۸ اندازه گیری کرده اند. زارعی و همکاران (۱۳۹۳) با روش آلفای کرونباخ برای هریک از خرده مقیاسها پایایی از ۰/۵۸ تا ۰/۷۸ و محاسبه و پایایی کل آزمون را ۰/۶۸ گزارش کرده اند. در پژوهش کنونی پایایی محاسبه شده برای سبکهای ایمن، پریشان، هراسان و کناره گیر به ترتیب ۰/۶۳ ، ۰/۵۴ ، ۰/۵۱ و ۰/۴۹ به دست آمده است.

یافته‌های پژوهش

داده‌ها با بهره‌گیری از روشهای آماری توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (ماتریس همبستگی و رگرسیون گام به گام) با نرم افزار SPSS 22 مورد تحلیل قرار گرفته اند.

به منظور ارائه تصاویری روشن‌تر از وضعیت متغیرهایی که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته اند برخی از یافته‌های توصیفی به صورت کلی ارائه شده است.

جدول۱. شاخصهای توصیفی متغیرهای تمایزافتگی، سبکهای دلبستگی و انعطاف پذیری

	تمایزیافتگی				سبکهای دلبستگی			
	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	ایمن	پریشان	کناره گیر	هراسان
فرزندان	۴۹	۱۰۰	۷۳,۸۶	۱۳,۲۲	٪۶۱,۱	٪۱۸,۷	٪۱۲,۷	٪۷,۴
پدران	۵۲	۱۱۰	۷۹,۶۲	۱۲,۳۵	٪۱۳,۱	٪۱۴,۱	٪۵۸,۷	٪۱۴,۱
مادران	۳۲	۱۰۵	۷۴,۹۶	۱۳,۷	٪۱۸	٪۱۳,۱	٪۵۲,۳	٪۱۶,۶
انعطاف پذیری خانواده	۳۱	۷۷	۵۳,۹۱	۷,۸۱				

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که پدران در متغیر تمایزیافتگی با میانگین ۷۹,۶۲ نمرات بالاتری را نسبت به مادران و فرزندان به دست آورده اند. میانگین تمایزیافتگی مادران ۷۴,۹۶ و فرزندان ۷۳,۸۶ بوده است. میانگین نمرات انعطاف پذیری خانواده ۵۳,۹۱ است. همچنین براساس نتایج به دست آمده درصد فراوانی سبک ایمن در میان فرزندان بیشتر است(۶۱ ٪). فراوان ترین سبک دلبستگی در میان والدین سبک اجتنابی کناره گیر است، به طوری که درحدود ۵۸ ٪ پدران و ۵۲ ٪ مادران سبک دلبستگی کناره گیر را نشان می‌دهند.

به منظور بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کالموگراف اسمیرنف استفاده شده است. شرط نرمال بودن داده‌ها $sig>0.05$ است. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد داده‌های آماری نرمال هستند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

جدول ۲ . آزمون کولموگراف جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته

	تمایزیافتگی فرزندان	سبک ایمن فرزندان	سبک پریشان فرزندان	سبک کناره گیر فرزندان	سبک هراسان فرزندان
آماره کولموگراف اسمیرنف	۰,۴۵۰	۰,۹۸۲	۰,۹۶۱	۰,۹۴۰	۰,۹۲۱
sig ۲ سویه	۰,۲۴۲	۰,۵۴۱	۰,۵۵۴	۰,۳۷۶	۰,۵۹۴

از جمله مفروضات استفاده از رگرسیون این است که نباید میان متغیرهای پیش بین، همخطی وجود داشته باشد.در جدول شماره ۳ آزمون مربوط به همخطی متغیرها آورده شده است.

جدول ۳. آزمون بررسی همخطی متغیرهای پیش بین

متغیرها	انعطاف پذیری	پدر					مادر				
		تمایزیافتگی	ایمن	پریشان	هراسان	کناره گیر	تمایزیافتگی	ایمن	پریشان	هراسان	کناره گیر
T0l	۰,۶۷۸	۰,۷۲۳	۰,۷۶۵	۰,۷۹۴	۰,۷۴۹	۰,۷۹۰	۰,۷۸۶	۰,۷۹۳	۰,۶۹۹	۰,۸۲۳	۰,۸۰۷
Vif	۱,۴۰۳	۱,۲۸۳	۱,۷۶۵	۱,۴۵۶	۱,۰۲۳	۱,۵۳۴	۱,۴۵۰	۱,۲۰۱	۱,۳۹۲	۱,۲۹۰	۱,۷۶۵
دوربین واتسون	۱/۹۲۵										

براساس نتایجی که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود(vif<2, 0.67 < tol<0.82) می‌توان نتیجه گرفت که رابطه همخطی میان متغیرهای پیش بین وجود ندارد زیرا هرچه شاخص تولرانس(T0l) به ۱ نزدیک‌تر شود و شاخص تورم واریانس(Vif) از ۲ کوچک‌تر باشد احتمال همخطی کمتر است.. از سویی مفروضه اساسی دیگر تحلیل رگرسیون چندگانه، استقلال یا به عبارت دیگر عدم ارتباط نمرات خطای متغیرهای پیش بین با یکدیگر است، که این مفروضه با آزمون دوربین واتسون بررسی می‌شود.. شرط رعایت پیش فرض این است که آماره دوربین-واتسون(D) درمحدوده میان ۱,۵ و ۲,۵ (۱,۵< D <۲.۵) باشد. مقدار آماره در مدل نهایی برابر۱/۹۲۵ بود که نشان می‌دهد این پیش فرض نیز رعایت شده است .

به منظور بررسی وجود رابطه خطی میان متغیرهای ملاک با متغیر پیش بین از ماتریس همبستگی پیرسون استفاده شده است (جدول ۴). نتایج ماتریس همبستگی در جدول ۴ نشان می‌دهد که تمایزیافتگی هر دو والد، سبک کناره گیر مادر و انعطاف پذیری با تمایزیافتگی فرزندان همبستگی مثبت دارد و سبک پریشان هر دو والد با تمایزیافتگی فرزندان همبستگی منفی دارد(p<.0/01). نتایج همچنین نشان می‌دهد که میان انعطاف‌پذیری خانواده و تمایزیافتگی هر دو والد با سبک دلبستگی ایمن فرزندان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (p<.0/01) و سبک پریشان پدر و سبک هراسان مادر نیز با دلبستگی ایمن فرزندان رابطه منفی دارند(p< 0/05).

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

جدول ۴. ماتریس همبستگی جهت بررسی رابطه میان انعطاف پذیری خانواده، تمایزیافتگی و سبکهای دلبستگی والدین با تمایزیافتگی و دلبستگی فرزندان

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱.تمایز فرزند	۱															
۲.ایمن فرزند	۰/۱۴**	۱														
۳.پریشان فرزند	-۰/۳۶**	-۰/۰۳	۱													
۴ . هراسان فرزند	-۰/۴۵**	-۰/۲۵**	۰/۲۲**	۱												
۵.کناره گیر فرزند	-۰/۳۶**	۰/۲۳*	۰/۲۵**	۰/۸۹**	۱											
۶. تمایز پدر	۰/۲۰**	۰/۲۰*	۰/۲۰**	۰/۳	۰/۲	۱										
۷.تمایز مادر	۰/۲۲**	۰/۱۷*	۰/۰۵	-۰/۰۸	-۰/۰۷	۰/۲۵**	۱									
۸. ایمن پدر	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۰۳	-۰/۰۴	-۰/۰۶	۰/۶۱**	۰/۰۸	۱								
۹.پریشان پدر	-۰/۱۹**	-۰/۱۳*	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۱	-۰/۳۰**	۰/۰۲	-۰/۱۷**	۱							
۱۰.هراسان پدر	۰/۰۳	-۰/۰۶	۰/۰۱	-۰/۰۵	-۰/۰۳	-۰/۱۳*	-۰/۰۴	-۰/۳۰**	۰/۰۲	۱						
۱۱. کناره گیر پدر	۰/۰۷	-۰/۱۰	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۹	-۰/۰۴	۰/۰۹	-۰/۱۰	۰/۲۲**	۱					
۱۲. ایمن مادر	۰/۱۱	۰/۰۳	۰/۰۳	-۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۱۱	۰/۱۴*	۰/۱۵**	-۰/۱۶*	-۰/۲۱**	۰/۰۴	۱				
۱۳. پریشان مادر	-۰/۱۹**	۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۰۵	-۰/۱۶*	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۱۳*	۰/۰۱	۰/۰۷	-۰/۲۵**	۱			
۱۴. هراسان مادر	-۰/۰۵	-۰/۱۲*	-۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۲	-۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۱۷**	۰/۲۱**	-۰/۲۷**	۰/۱۳**	۱		
۱۵. کناره گیر مادر	۰/۲۲**	۰/۰۳	۰/۰۳	-۰/۱۴*	-۰/۱۱	۰/۰۶	۰/۱۷**	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۲۲**	۰/۲۲**	-۰/۸**	۰/۱۵**	۰/۱۳**	۱	
۱۶. انعطاف	۰/۴۲**	۰/۱۹*	-۰/۳۶**	-۰/۳۴**	-۰/۳۳**	۰/۱۷**	۰/۱۲**	۰/۰۵	-۰/۱۱	۰/۰۴	۰/۰۳	-۰/۰۹	-۰/۱۱*	۰/۰۹		۱

P<0.01** P<.05*

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]
[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

تمایزیافتگی پدر (در جهت مثبت) و انعطاف پذیری خانواده (درجهت منفی) با سبک پریشان فرزندان رابطه دارند. میان انعطاف پذیری خانواده و سبکهای هراسان و کناره گیر فرزندان همبستگی منفی وجود دارد($p<.0/01$). رابطه میان سبک کناره گیر مادر نیز با سبک هراسان فرزندان در جهت منفی معنادار است($p< 0/05$).

جدول ۵. خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام جهت پیش بینی تمایزیافتگی فرزندان از انعطاف پذیری، تمایزیافتگی و سبک دلبستگی والدین

متغیر ملاک	گامها		B	β	R	R^2	$AdR.^2$	F	معناداری
تمایزیافتگی فرزندان		مقدار ثابت	۵۹/۸۴						۰/۰۰۱
	گام۱	انعطاف پذیری	۰/۷۹	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۲۱	۰/۲۰	۶۷/۵	۰/۰۰۱
	گام۲	انعطاف پذیری خانواده	۰/۷۶	۰/۴۴					
		سبک کناره گیر مادر	۴/۹۹	۰/۲۰	۰/۵۰	۰/۲۹	۰/۲۷	۴۲/۲۳	۰/۰۰۱
	گام۳	انعطاف پذیری خانواده	۰/۷۳	۰/۴۲					
		سبک کناره گیر مادر	۴/۵۵	۰/۱۸	۰/۵۵	۰/۳۲	۰/۳۰	۳۲/۴۸	۰/۰۰۱
		واکنش هیجانی مادر	۰/۳۹	۰/۱۷					
	گام۴	انعطاف پذیری خانواده	۰/۶۸	۰/۳۹					
		سبک کناره گیر مادر	۴/۸۴	۰/۱۹					
		واکنش هیجانی مادر	۰/۴۲	۰/۱۸	۰/۵۷	۰/۳۵	۰/۳۴	۲۷/۷۴	۰/۰۰۱
		سبک پریشان پدر	-۳/۵۸	-۰/۱۷					

به منظور تعیین سهم نسبی متغیرهای انعطاف پذیری خانواده، مؤلفه‌های تمایزیافتگی و سبک دلبستگی والدین در پیش بینی تمایزیافتگی فرزندان(فرضیه اول) تحلیل رگرسیون گام به گام به کار برده شده است. نتایج این تحلیل که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود گویای این است که در مجموع انعطاف پذیری خانواده، سبک دلبستگی کناره گیر و مؤلفه واکنش هیجانی مادر(در جهت مثبت) و سبک دلبستگی پریشان پدر (در جهت منفی) توان پیش‌بینی ۳۴ درصد از تغییرات تمایزیافتگی فرزندان را دارند.

معادله ریاضی فرضیه اول پژوهش:

$$Y= B0 + B(x1) + B(x2) + B(x3)+B(x4)$$

(۰،۰۴۲× واکنش هیجانی م**)+(۰،۶۸×** انعطاف پذیری**)+(-۳،۵۸×** سبک پریشان پدر**)+(۴،۸۴×**سبک کناره گیرم)+۵۹،۸۴=**تمایزیافتگی فرزند

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

جدول ۶ .خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام جهت پیش بینی دلبستگی فرزندان از انعطاف پذیری خانواده، تمایز یافتگی و دلبستگی والدین

متغیر ملاک	گامها		B	β	R	R^2	$AdR.^2$	F	معناداری
ایمن فرزندان		مقدار ثابت	۶۲/۶۶						۰/۰۰۱
	گام۱	گسلش عاطفی مادر	۰/۰۴۱	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۰۸	۰/۰۷	۲۰/۶	۰/۰۰۱
	گام۲	گسلش عاطفی مادر	۰/۲۵	۰/۰۳۸	۰/۳۳	۰/۱۱	۰/۱۰	۱۵/۱۲	۰/۰۰۱
		انعطاف پذیری خانواده	۰/۰۱۴	۰/۱۸۰					
	گام۳	گسلش عاطفی مادر	۰/۰۳	۰/۲۵	۰/۳۸	۰/۱۴	۰/۱۳	۱۳/۴۷	۰/۰۰۱
		انعطاف پذیری خانواده	۰/۰۱	۰/۲۰					
		سبک پریشان پدر	-۰/۱۷	-۰/۱۸					
	گام۴	گسلش عاطفی مادر	۰/۰۳۲	۰/۰۲۱	۰/۴۰	۰/۱۶	۰/۱۵	۱۱/۳۵	۰/۰۰۱
		انعطاف پذیری خانواده	۰/۰۱۶	۰/۲۰					
		سبک پریشان پدر	-۰/۱۸	-۰/۱۸					
		گسلش عاطفی پدر	۰/۰۲۲	۰/۱۲					
		مقدار ثابت	۱۹/۴۴						
پریشان فرزندان	گام۱	انعطاف پذیری	-۰/۰۳۴	-۰/۳۶	۰/۳۶	۰/۱۳	۰/۱۳	۴۰/۰۵	۰/۰۰۱
	گام۲	انعطاف پذیری خانواده	-۰/۰۳	-۰/۳۵					
		گسلش عاطفی پدر	-۰/۰۳	-۰/۱۵	۰/۳۹	۰/۱۵	۰/۱۵	۲۴/۲۰	۰/۰۰۱
هراسان فرزندان	گام۱	انعطاف پذیری خانواده	-۰/۰۳	-۰/۳۴	۰/۳۴	۰/۱۱	۰/۱۱	۳۳/۳۵	۰/۰۰۱
کناره‌گیر فرزندان	گام۱	انعطاف پذیری خانواده	-۰/۰۲	-۰/۳۲	۰/۳۲	۰/۱۰	۰/۱۰	۳۰/۶۶	۰/۰۰۱

به منظور بررسی میزان توان انعطاف پذیری خانواده، مؤلفه‌های تمایزیافتگی و سبک دلبستگی والدین در پیش بینی سبک دلبستگی فرزندان (فرضیه دوم) تحلیل رگرسیون گام به گام به کار برده شده است(۴تحلیل جداگانه). نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که در مجموع گسلش عاطفی مادر، انعطاف پذیری خانواده، گسلش عاطفی پدر(در جهت مثبت) و سبک پریشان پدر(در جهت منفی) توان پیش‌بینی ۱۵ درصد از تغییرات دلبستگی ایمن فرزندان را دارند. انعطاف پذیری خانواده و گسلش عاطفی پدر توان پیش‌بینی ۱۵ درصد از تغییرات سبک دلبستگی پریشان فرزندان را دارند. انعطاف پذیری خانواده در یک گام می‌تواند ۱۱ درصد از تغییرات دلبستگی سبک هراسان و ۱۰ درصد از تغییرات سبک کناره گیر فرزندان را پیش‌بینی نماید. مولفه‌های والدینی در پیش‌بینی دو سبک کناره‌گیر و هراسان نقشی نداشتند.

معادلات ریاضی فرضیه دوم پژوهش:

$$Y= B0 + B(x1) + B(x2) + B(x3)+ \ldots$$

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

انعطاف پذیری)+(۰/۲ × گسلش عاطفی پ)+(۰،۰۳ × گسلش عاطفی م)+ (۰/۱۸ -× سبک پریشان پ)+ ۶۲،۶۶=دلبستگی ایمن فرزند ×۰/۰۱)

(۰،۰۳- × گسلش عاطفی پ)+ (۰،۰۳- × انعطاف پذیری)+۱۹،۴۴=دلبستگی پریشان فرزند

(۰،۰۳- × انعطاف پذیری)+۱۹،۴۴=دلبستگی هراسان فرزند

(۰،۰۲- × انعطاف پذیری)+۱۹،۴۴=دلبستگی کناره گیر فرزند

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داده است که انعطاف پذیری خانواده، دلبستگی کناره گیر و مؤلفه واکنش هیجانی مادر در جهت مثبت و دلبستگی پریشان پدر در جهت منفی در تمایزیافتگی فرزندان تغییر ایجاد می‌کنند، یعنی با افزایش انعطاف پذیری خانواده، دلبستگی کناره گیر و واکنش منطقی مادران تمایزیافتگی فرزندان نیز افزایش می‌یابد (نمره بالا در واکنش هیجانی به معنای پایین بودن عکس العملهای هیجانی و بالا بودن واکنش منطقی است) و پدران با سبک دلبستگی پریشان احتمالاً فرزندانی با سطح تمایزیافتگی پایین خواهند داشت. در زمینه استناد به پژوهشهایی همسو که نشان دهنده رابطه کنشهای خانواده و تمایزیافتگی فرزندان است می‌توان به پژوهشهای چانگ و گیل(۲۰۰۹)، رهگذر و همکاران(۲۰۱۲)، بهزادی و سروقد(۱۳۹۱)، بلیاد، ناهیدپور، آزادی و یادگاری (۱۳۹۳)، مؤمنی و علیخانی (۱۳۹۲)، محمدی(۱۳۸۹) و غفاری و مهینی(۱۳۹۳) اشاره کرد. در تبیین این یافته می‌توان گفت در خانواده‌های انعطاف‌پذیر به سبب اینکه رهبری کمتر حالت استبدادی دارد و به هنگام رویارویی با موضوعات گوناگون، اعضای خانواده با هم به حل مسائل می‌پردازند، فرزندان نیز اجازه اظهار نظر دارند و به تدریج یاد می‌گیرند تا در برخورد با مسائل، مستقلانه و متفکرانه عمل کنند(زارع و سامانی،۱۳۸۷). دادن استقلال و اجازهٔ اظهار نظر به فرزندان، زمینه ساز عزت نفس، ابراز وجود و تقویت "خود" در آنها می‌شود و به این ترتیب تمایزیافتگی که توانایی استقلال، تفکر منطقی و تثبیت "من" مستحکم است در فرزندان رشد می‌یابد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که با افزایش واکنش منطقی مادر، تمایزیافتگی فرزندان نیز افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهشهای شوارتز و همکاران(۲۰۰۶)، اسکورون(۲۰۰۵)، برتل هارینگ، بروکر و هوک[1](۲۰۰۲) و پلگ، هالبی[2] و وابی[3](۲۰۰۶) همسوست. فرناندز[4] (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود نشان داده است که تمایزیافتگی و هویت فرزندان با تمایزیافتگی والدین رابطه دارد و تمایزیافتگی والدین پیش بینی کننده تمایزیافتگی و هویت فرزندان است. این یافته‌ها تأییدی

1. Bartle-Haring, Brucker & Hock
2. Halaby
3. Whaby
4. Fernandez

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

است بر نظریهٔ بوئن (۱۹۷۸) مبنی بر اینکه تمایزیافتگی یک انتقال میان- نسلی است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت تمایزیافتگی مفهومی مرتبط با نظام عاطفی خانواده است و مادران جلوه هایی از ابراز عواطف در خانواده اند و زمان بیشتری را با فرزندان می‌گذرانند، بنابراین در رشد تمایز فرزندان نقشی موثر ایفا می‌کنند. والدین تمایزیافته در شرایط تنش زا در خانواده، واکنش منطقی دارند، در عین صمیمیت و عواطفی که در خانواده حاکم است از تفکر و منطق بهره می‌گیرند (کانری،[1] ۲۰۱۲). از سویی سبک کناره گیر مادر، در جهت مثبت و سبک پریشان پدر به صورت منفی پیش بینی کننده تمایزیافتگی فرزندان است. به عبارت دیگر مادران با سبک دلبستگی کناره‌گیر فرزندانی با تمایزیافتگی بالا پرورش می‌دهند و پدران با دلبستگی پریشان، فرزندانی با تمایزیافتگی پایین دارند.این یافته با پژوهشهای فریمن و آلموند (۲۰۰۹) و برتل هارینگ و همکاران(۲۰۰۲) همسوست. وجود رابطه مثبت میان سبک انکارکنندهٔ مادران با تمایزیافتگی فرزندان را می‌توان این‌گونه تبیین نمود که مطابق نظر گریفین و بارتولومیو (۱۹۹۴) افراد با سبک انکار کننده، به خود اعتماد دارند و خودکارآمدی بالایی نشان می‌دهند. مادران کناره گیر به سبب عدم اعتماد به دیگران سعی می‌کنند تا مستقل عمل کنند و در شرایط تنش و تغییر در خانواده، متکی به خود باشند و خود در حل منطقی مسائل شان تلاش کنند. در این افراد، به دلیل اعتماد به نفس بالایی که وجود دارد، "خود" تقویت می‌شود، اما آنها به دلیل عدم اعتماد به دیگران، از هم آمیختگی با اطرافیان اجتناب می‌کنند. این مادران با تشویق فرزندان به خودکارآمدی و استقلال، این احساسات را در فرزندانشان درونی می‌کنند و فرزندان نیز با الگوگیری از والدین، این رفتارها را می‌آموزند و نهادینه می‌کنند. افراد با سبک پریشان، به خود اعتماد ندارند اما به دیگران اعتماد می‌کنند و ارزش پایینی برای خود قائل اند(گریفین و بارتولومیو،۱۹۹۴)، لذا در شرایط تنش و اضطراب احساس استیصال و درماندگی می‌کنند و توان واکنش منطقی را ندارند. پدرانی که سبک پریشان دارند چنانچه فرزندانشان را جزئی از خود بپندارند ممکن است احساس عدم اعتمادی که به خود دارند نسبت به فرزندان خود نیز داشته باشند. این پدران تصورشان بر این است که فرزندانشان توان این را ندارند که مستقلانه مسائل را حل کنند، از این رو با تمایزیافتگی فرزندانشان مخالفت می‌ورزند و با ایجاد زمینه وابستگی بیشتر آنان، شرایط تمایزیافتگی را از فرزندانشان سلب می‌کنند. از سویی هم این احتمال وجود دارد که افراد پریشان با حس اعتمادی که به دیگران دارند فرزندانشان را به نوعی جزو دیگران محسوب کنند و در شرایط تنش برای حل مشکل، با کمک گرفتن از فرزند،

1. Connery

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

مثلث‌سازی صورت گیرد و همان‌طور که بوئن اشاره کرده است، مثلث سبب تمایز پایین در فرزندان می‌شود.

نتایج نشان داده است که با افزایش انعطاف‌پذیری خانواده، کاهش گسلش عاطفی والدین(نمره بالا در خرده مقیاس گسلش عاطفی) و کاهش سبک پریشان پدران احتمال دلبستگی ایمن فرزندان افزایش می‌یابد. این یافته با پژوهشهای دوینیتا و ماریا[1](۲۰۱۵)، رولوفس، میسترز، و موریس[2](۲۰۰۸)، اصلانی، صیادی و امان الهی(۱۳۹۱) و قنبری هاشم آبادی، حاتمی، اسمعیلی و فرحبخش (۱۳۹۰) همسوست. در خانواده‌های انعطاف پذیر، وجود دموکراسی و مشارکت همه اعضا از جمله فرزندان در امور مشترک خانواده، سبب شکل گیری اعتماد به نفس در فرزندان می‌شود، آنها حق اظهار نظر و ابراز وجود دارند که زمینه ساز عزت نفس و ارزشمندی "خود" در فرزندان می‌شود. همچنین در این خانواده‌ها قوانین سخت و غیرقابل تغییر وجود ندارد و هنگام مواجهه فرزندان با مسائل و مشکلات، والدین انعطاف پذیر می‌شوند و از فرزندانشان حمایت می‌کنند. این حمایت شکل‌گیری اعتماد به دیگران را در پی خواهد داشت. بر اساس نظریه دلبستگی، با اعتماد و ارزشمندی به خود و دیگران دلبستگی ایمن شکل می‌گیرد. به این ترتیب والدین انعطاف پذیر با داشتن انعطاف و با ایجاد حس ارزشمندی نسبت به خود و دیگران سبک دلبستگی ایمن را در فرزندان به وجود می‌آورند. وجود رابطه میان کاهش گسلش عاطفی والدین با دلبستگی ایمن فرزندان مؤید نظریه بالبی در زمینهٔ اهمیت پیوند عاطفی در شکل گیری دلبستگیهاست زیرا نقطه مقابل گسلش عاطفی، پیوند صمیمی و عاطفی است که زمینه ساز سبک ایمن است. طبق نتایج سبک دلبستگی پریشان پدر، به صورت منفی در پیش‌بینی دلبستگی ایمن فرزندان نقش دارد. به عبارت دیگر سبک دلبستگی فرزندانی که پدرانشان سبک پریشان دارند، احتمالاً ناایمن خواهد بود. پژوهش رولفز و همکاران(۲۰۰۸) نشان می‌دهد که سبک دلبستگی والدین با سبک دلبستگی فرزندان رابطه دارد و در این میان دلبستگی پدر با دلبستگی ناایمن فرزندان ارتباط بیشتری دارد. در تبیین این یافته می‌توان این گونه بیان کرد که پدران با سبک دلبستگی پریشان به خود اعتماد ندارند.آنان برای خود ارزش پایینی قائل اند ودر مواجهه با مسائل عملکردی ضعیف از خود نشان می‌دهند . این پدران احساس ضعف و عدم کارآیی می‌کنند در نتیجه نمی‌توانند اعتماد به نفس را در فرزندان ایجاد کنند. همچنین فرزندان نیز آنها را ضعیف می‌پندارند و نمی‌توانند به آنها اعتماد کنند، لذا امکان شکل‌گیری سبک ایمن کاهش می‌یابد و

1. Doinita & Maria
2. Roelofs, Meesters & Muris

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

سبکهای ناایمن شکل می‌گیرند. به طور کلی در تبیین پیش‌بینی سبکهای ناایمن (پریشان، هراسان، کناره گیر) فرزندان توسط انعطاف پذیری پایین خانواده می‌توان این گونه استدلال کرد که والدین خشک و انعطاف ناپذیر، نزدیکی عاطفی و تأثیر احساسات را محدود می‌کنند و معتقدند همهٔ رفتارها باید برمبنای قوانین خشک و غیر قابل تغییر باشند. این شرایط کیفیت تعاملات و گرمی روابط والدین و فرزندان را کاهش می‌دهد. برای اینکه کودک از لحاظ هیجانی احساس امنیت کند به رابطه ای گرم، محبت آمیز و پایدار با بزرگسالانی پاسخگو نیاز دارد تا بتواند به او تکیه کند. دلبستگی در فرزندان، این احساس امنیت را ممکن می‌سازد(رایس،۱۳۸۷؛ ترجمه فروغان).والدین غیر منعطف با سختگیری، حس ناامنی و عدم اعتماد را در فرزندانشان به وجود می‌آورند. چنانچه عدم اعتماد، فقط نسبت به دیگران باشد، سبک کناره‌گیر و چنانچه علاوه بر دیگران به خود نیز اعتماد نداشته باشد، سبک هراسان شکل می‌گیرد. عدم وجود رابطه میان سبکهای دلبستگی والدین با سبکهای ناایمن فرزندان با پژوهشهای بهادری و همکاران(۱۳۹۱)، پیوسته گر(۱۳۸۵) و جهانبخش و همکاران(۱۳۸۹) ناهمسوست. این یافته را می‌توان با تغییر سبکهای دلبستگی در دوره های انتقال تبیین نمود. بالبی عقیده داشت امکان تغییر در سبکهای دلبستگی وجود دارد و برخی پژوهشها نیز نشان می‌دهند که احتمال تغییر در دلبستگی به ویژه در دوره‌های انتقال افزایش می‌یابد. کاهش اتکا به والدین به منزلهٔ نگارهٔ دلبستگی از مهمترین تغییرات نوجوانی به شمار می‌رود و نوجوانان برای کاهش دلبستگی به والدین تلاش بسیار می‌کنند (جانسون و ویفن، ۱۳۸۸؛ خانجانی،۱۳۸۸).

به طور کلی نتایج نشان می‌دهند که درکنار نقش انعطاف پذیری خانواده و ویژگیهای فردی مادران در تمایزیافتگی فرزندان، پدران نقشی تعیین کننده تر در سبک دلبستگی فرزندان نشان داده‌اند. از این رو به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای آتی به نقش پدران بیشتر توجه کنند زیرا پدران علاوه بر اینکه در ۵۰ ٪ از ژنهای کودکانشان سهیم هستند به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق تعاملات با کودکان و حضور در بافت خانواده نقشی فعال در رشد کودکان دارند. به مشاوران مدارس توصیه می‌شود در کنار عوامل زیستی، روانی و اجتماعی مربوط به نوجوانان نقش عوامل خانوادگی و ویژگیهای والدین را نیز مورد توجه قرار دهند و برای والدین کارگاههایی برای آموزش تمایزیافتگی برگزار کنند، زیرا افزایش تمایزیافتگی والدین هم به صورت مستقیم موجب افزایش تمایزیافتگی نوجوانان می‌شود و هم به صورت غیر مستقیم از طریق تأثیر بر کنشهای خانواده تمایزیافتگی نوجوانان را افزایش می‌دهد. بسیاری از پژوهشگران بر این عقیده اند

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

که عوامل مؤثر در شکل گیری شخصیت فرزندان، محدود به چند عامل نیست، بلکه عوامل متعددی در قالب عوامل زیستی، روانی و اجتماعی در این فرآیند نقش دارند. نتایج پژوهش کنونی نیز مؤید این نکته است که انعطاف پذیری خانواده، تمایزیافتگی و سبک دلبستگی والدین توان پیش‌بینی میزانی از تغییرات تمایزیافتگی و سبک دلبستگی را در فرزندان دارند. به نظر می‌رسد در کنار این موارد، عوامل دیگری نیز در پیش بینی این ویژگیها نقش داشته باشند که می‌توان به عوامل فرهنگی و اجتماعی مانند قومیت، تعاملات با اعضای دیگر خانواده و دوستان، تحصیلات و شغل والدین اشاره کرد که در پژوهشهای آتی می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند. در این پژوهش پژوهشگر با داشتن امکانات محدود به بررسی چند عامل از این عوامل متعدد پرداخته است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

منابع

اصلانی، خالد؛ صیادی، علی و امان الهی، عباس. (۱۳۹۱). رابطه بین سبک های دلبستگی با کارکرد خانواده و سلامت عمومی. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۲ (۲)، ۱۶۳-۱۷۷.

افروز، غلامعلی. (۱۳۸۹). *روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان*. تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان.

بابای خاکیان، زینب؛ زکی یی، علی و نقشینه، طیبه. (۱۳۹۴). رابطه تمایزیافتگی خود در مادران و همبستگی خانوادگی با اختلالات رفتاری کودکان. *مجله پزشکی ارومیه*، ۲۶ (۴)، ۳۳۴-۳۴۳.

بلیاد، محمدرضا؛ ناهیدپور، فرزانه؛ آزادی، شهدخت و یادگاری، هاجر. (۱۳۹۳). نقش خانواده اصلی در تمایز خود و تعارضات زناشویی. *روان پرستاری*، ۲ (۲)، ۸۱-۹۱.

بهادری، محمد حسین؛ جهان بخش، مرضیه؛ امیری، شعله و انیسی، جعفر. (۱۳۹۱). پیش بینی علائم افسردگی در دختران از طریق سبک دلبستگی مادران. *مجله علوم رفتاری*، ۶ (۴)، ۳۳۹-۳۴۵.

بهزادی، بهناز و سروقد، سیروس. (۱۳۹۱). بررسی رابطه انعطاف پذیری خانواده و سبکهای هویت با نقش واسطه گری گرایش به تفکر انتقادی در دختران نوجوان. *زن و مطالعات خانواده*، ۴ (۱۵)، ۶۳-۸۰.

پاپالیا، دایان ای.؛ وندکاس الدز ، سالی؛ فلدمن، روت راسکین. (۱۳۹۱). *روانشناسی رشد و تحول انسان*، (ترجمه داود عرب قهستانی و همکاران). تهران: انتشارات رشد، چاپ اول.

پروچاسکا، جیمز.او و نورکراس، جان سی. (۱۳۹۰). *نظریه های روان درمانی*، (ترجمه یحیی سید محمدی). تهران: انتشارات رشد، چاپ هشتم.

پیوسته گر، مهرانگیز. (۱۳۸۵). *پیش بینی اختلال دلبستگی کودکان از روی سبک دلبستگی والدین*. رساله دکتری عمومی رشته روانشناسی، دانشگاه الزهراء.

پیوسته گر، مهرانگیز؛ بشارت،محمدعلی؛ پژوهی نیا، شیما و سیفی، محمدیاسین (۱۳۹۱). تبیین آسیب پذیریهای روانی بر اساس سبکهای دلبستگی در دانشجویان دانشگاههای مختلط دولتی تهران. *دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی*، ۱۳ (۱)، ۲۹-۳۸.

تیموری آسفیچی، علی؛ غلامعلی لواسانی، مسعود و بخشایش، علیرضا. (۱۳۹۱). پیش بینی سبکهای دلبستگی بر اساس سبکهای دلبستگی و خود متمایزسازی، *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۸ (۳۲)، ۴۴۱-۴۶۳.

جانسون، سوزان ام. و ویفن، والری ای. (۱۳۸۸). *فرایندهای دلبستگی در زوج درمانی و خانواده درمانی*، (ترجمه فاطمه بهرامی و همکاران). تهران: نشر دانژه، چاپ اول.

جاهدی، سهیلا؛ رفاهی، ژاله؛ شریفی، اصغر؛ رجایی چالشتری، سهیلا. (۱۳۹۲). تعیین قدرت پیش بینی کنندگی انسجام و انعطاف پذیری خانواده بر عزت نفس و شادکامی فرزندان در دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر شیراز. *ارمغان دانش*، مجله دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، ۱۸ (۱۱)،۹۴۵-۹۵۴.

جهانبخش، مرضیه؛ امیری، شعله؛ مولوی، حسین و بهادری، محمد حسین. (۱۳۸۹). رابطه مشکلات دلبستگی دختران با سبک دلبستگی مادران. *روان شناسی بالینی*، ۲ (۳)، ۱۵-۲۳.

خانجانی، زینب. (۱۳۸۸). *تحول و آسیب شناسی دلبستگی از کودکی تا نوجوانی*. تبریز: نشر فروزش.

دادستان، پریرخ. (۱۳۹۳). *گزیده ای از بزرگترین نظامهای روانشناسی تحولی*. تهران: انتشارات سمت.

رایس، فلیپ. (۱۳۸۷). *رشد انسان*، (ترجمه مهشید فروغان). تهران: نشر ارجمند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

رحیمی، محمد؛ آشفته تهرانی، امیر و حضرتی، زهرا. (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی. *مطالعات جامعه شناختی ایران*، ۱(۳)، ۷۹-۹۸.

زارع، مریم و سامانی، سیامک. (۱۳۸۷). بررسی نقش انعطاف پذیری و انسجام خانواده در هدف گرایی فرزندان. *خانواده پژوهی*، ۴ (۱۳)، ۱۷-۳۶.

زارعی، اقبال؛ کرمی بلداجی، روح الله؛ حیدری، حسین؛ حسین خانزاده، عباسعلی و بهارلو، غفار. (۱۳۹۳). پیش بینی صفات پنج عاملی شخصیت دانشجویان بر اساس سبکهای دلبستگی بزرگسالان. *پژوهش های علوم شناختی و رفتار*، ۴ (۱)، ۱۶۷-۱۸۰.

شعاع کاظمی، مهرانگیز و سیف، سوسن. (۱۳۸۹). *خانواده درمانی از دیدگاه ستیر*. تهران: نشر پاژینه.

غفاری، مظفر و مهینی، شهرام. (۱۳۹۳). بررسی رابطه رضامندی از روابط و تمایزیافتگی با عملکرد خانواده در دانشجویان متأهل. *فصلنامه شخصیت و تفاوتهای فردی*، ۳(۴)، ۳۹-۵۷.

فخاری، نرگس؛ لطیفیان، مرتضی و اعتماد، جلیل. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی های روان سنجی فرم کوتاه پرسشنامه تمایزیافتگی خود در دانشجویان ایرانی. *فصلنامه اندازه گیری تربیتی*، ۱۵ (۵)، ۳۵-۵۷.

قنبری هاشم آبادی، بهرام علی؛ حاتمی ورزنه، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه و فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۰). رابطه بین سبکهای فرزند پروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی. *فصلنامه جامعه شناسی زنان*، ۲ (۳) ، ۳۹-۶۰.

کرمی، جهانگیر؛ زکی یی، علی؛ علیخانی، مصطفی و نوروزی، علی. (۱۳۹۳). تبیین تمایزیافتگی خود بر اساس سبکهای دلبستگی و آلکسیتیمیا. *مجله علوم رفتاری*، ۸(۲)، ۱۳۹-۱۴۸.

گلادینگ، ساموئل. (۱۳۸۲)، *خانواده درمانی تاریخچه، نظریه، کاربرد*، (ترجمه فرشاد بهادری، مصطفی تبریزی، بدری السادات بهرامی و سوسن سیف). تهران: انتشارات تزکیه.

گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت. (۱۳۹۲). *خانواده درمانی*، (ترجمه حمیدرضا حسین شاهی، سیامک نقش بندی و الهام ارجمند). تهران: نشر روان.

محمدپور، اعظم؛ کوهی، مریم و فهیمی، حمیده. (۱۳۹۰). *بررسی سبک دلبستگی والدین و اعتیاد فرزندان*. ارائه شده در کنفرانس بین المللی خانواده، تهران.

محمدی، شهلا. (۱۳۸۹). *پیش بینی خود متمایزسازی دانش آموزان دختر توسط انسجام و انعطاف پذیری در خانواده*. پایان نامه ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

مؤمنی، خدامراد و علیخانی، مصطفی. (۱۳۹۲). رابطه عملکرد خانواده، تمایزیافتگی خود و تاب آوری با استرس، اضطراب و افسردگی در زنان متأهل شهر کرمانشاه. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۳ (۲۹)، ۲۹۷-۳۲۰.

Bartle-Haring, S., Brucker, P., & Hock, E. (2002). The impact of parental separation anxiety on identity development in late adolescence and early adulthood. *Journal of Adolescent Research, 17*(5), 439-450.

Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Jason Aronson.

Chung, H., & Gale, J. (2006). Comparing self-differentiation and psychological well-being between Korean and European American students. *Contemporary Family Therapy, 28*, 367–381.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

_____ (2009). Family functioning and self-differentiation: A cross-cultural examination. *Contemporary Family Therapy, 31*, 19-33.

Connery, A. L. (2012). *The roles of differentiation of self, anxiety and emotional self awareness on destructive countertransference reactions.* (Doctoral dissertation), University of Missouri, Kansas.

Doinita, N. E., & Maria, N. D. (2015). Attachment and parenting styles. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 203*, 199 – 204.

Drake, J. R. (2011). *Differentiation of Self Inventory –short form: Creation and initial evidence of construct validity*. (Doctoral dissertation), University of Missouri, Kansas City.

Fernandez, N. (2012). *The strength of Hispanic adolescents' level of ethnic identification and their parents' level of self-differentiation and ethnic identification to predict second generation Hispanic adolescents' level of self-differentiation.* (Doctoral Dissertations), Clemson University, South Carolina.

Freeman, H., & Almond, T. (2009). Predicting adolescent self-differentiation from relationships with parents and romantic partners. *International Journal of Adolescence and Youth, 15*(1-2), 121-143.

Griffin, D., & Bartholomew, W.K. (1994). Models of the self and other: Fundamental dimensions underlying measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology, 67*, 430-445.

Olson, D. H. (1999). Circumplex model of marital and family systems. *Journal of Family Therapy, 22*, 144-167.

_____ (2011). Faces IV and the circomplex model: Validation study. *Journal of Marital and Family Therapy, 37*(1), 64-80.

Peleg, O., Halaby, E., & Whaby, E. N. (2006). The relationship of maternal separation anxiety and differentiation of self to children's separation anxiety and adjustment to kindergarten: A study in Druze families. *Anxiety Disorders, 20*(8), 973–995.

Peleg, O., & Rahal, A. (2012). Physiological symptoms and differentiation of self: A cross-cultural examination. *International Journal of Intercultural Relations, 36*(5), 719– 727.

Peleg, O., & Zoabi, M. (2014). Social anxiety and differentiation of self: A comparison of Jewish and Arab college students. *Personality and Individual Differences, 68*, 221–228.

Rahgozar, H., Yousefi, S., Mohammadi, A., & Piran, P. (2012). The impact of family cohesion and flexibility on university students' identity: The case of Shiraz Branch, Islamic Azad University. *Asian Social Science, 8*(2). 95-103.

Roelofs, J., Meesters, C., & Muris, P. (2008). Correlates of self-reported attachment (In)security in children: The role of parental romantic attachment status and rearing behaviors. *Journal of Child and Family Studies, 17*, 555–566.

Ross, A. S., & Murdock, N. L. (2014). Differentiation of self and well-being: The moderating effect of self-construal. *Contemporary Family Therapy, 36*, 485–496.

Sandage, S. J., Crabtree, S., & Schweer, M. (2012). Differentiation of self and social justice commitment mediated by hope. *Journal of Counseling & Development, 92*, 67-74.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]

Schwartz, J. P., Thigpen, S. E., & Montgomery, J. K. (2006). Examination of parenting styles of processing emotions and differentiation of self. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families, 14*(1), 41-48.

Schwartz, O., Dudgeon, P., Sheeber, L., Yap, M., Simmons, J., & Allen, N. (2012). Parental behaviors during family interactions predict changes in depression and anxiety symptoms during adolescence. *Journal of Abnormal Child Psychology, 40*(1), 59-71.

Skowron, E. A. (2005). Parent differentiation of self and child competence in low-income urban families. *Journal of Counseling Psychology, 52*(3), 337-346.

Skowron, E. A., Stanley, K. L., & Shapiro, M. D. (2009). A longitudinal perspective on differentiation of self, interpersonal and psychological well-being in young adulthood. *Contemporary Family Therapy*, 31, 3-18.

Vogel, S., & Rabe, P. (2015). Measuring self-differentiation and academic commitment in university students: A case study of education and engineering students. *South African Journal of Psychology, 45*(1), 60-70.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.6.4]